

به هر صورت ترکیبی از فشارها، ناهمگرایی‌ها و مسأله‌های مختلف وجود داشته و دار این ناهمگرایی‌ها و فشارها و تضادها، از سه حوزه وارد فرهنگ و هنر و نهاد متولی این حوزه یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌شود. مراکز رسمی، نیمه رسمی و غیر رسمی، سه حوزه‌ای هستند که فشارهایی را به این وزارتخانه در سطوح مختلف و اشکال مختلف وارد می‌کنند و این شکل از ورود، تأثیرات منفی در کارکرد این حوزه و وزارتخانه و مسئولش خواهد داشت. از طرف دیگر این ناهمگونی‌ها و تضادها و... دو عامل اصلی دارد. عامل اول اختلاف دیدگاه و عامل دوم اختلاف سلیقه‌هاست و گاهی هم عامل سومی به نام اختلاف‌های سیاسی از پشت صحنه می‌آید تا این اختلاف‌ها و پیچیدگی‌ها را تندتر کند. اختلاف سلیقه و اختلاف دیدگاه به عنوان مثال در موسیقی وجود دارد و ممکن است یک مجموعه کل موسیقی را حرام بداند و کمترین ساز و آواز را مشمول ادله حرمت بداند و در جاهایی نیز اختلاف سلیقه وجود دارد. در این ترکیب ما شش فضا را پدید می‌کنیم که در مراکز رسمی، نیمه رسمی و غیر رسمی و اختلاف دیدگاه و سلیقه خلاصه می‌شود. البته باید به این نکته اشاره کرد که این بحث از بحث‌های اساسی و پیرامونه در دوره‌های مختلف و وزرای مختلف کمابیش وجود داشته و جای بحث و تبادل نظر بسیار زیادی دارد اما اینجا به صورت موج‌به آن اشاره‌ای می‌کنم. اصول و روشی که من به آن معتقد بودم و سعی کردم تا حد زیادی به آن بایند باشیم قانونگرایی در بحث اختلاف دیدگاه با حوزه‌های رسمی و نیمه رسمی بوده است. جمهوری اسلامی قانونی دارد که ما باید در اختلافات خود باید این قانون را معیار خود قرار بدیم حال چه برای برخی خوشایند باشد چه برای برخی نباشد. در حوزه اختلاف سلیقه، آنچه در حد ممکن، دنبال کرده‌ایم کنیم بر چند مبنای بوده از جمله در تعامل و گفت‌وگو پیرامون اختلاف سلیقه‌ها با مراکز رسمی و نیمه رسمی و غیر رسمی، قرار گذاشتیم که ما در چارچوب اختیارات و وظایف قانونی خودمان تعامل کنیم؛ نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. اخیراً هم یکی از مراجع رسمی در یک حوزه‌ای می‌خواستند که ما رویه جدیدی را برای برخی حوزه‌ها در نظر بگیریم که ما صراحتاً اعلام نظر مخالف خود را اعلام کردیم و گفتیم چارچوب‌های قانونی اجازه نظر خواهی از شما را به ما نمی‌دهد یا در نظر نگرفته است. ممکن است اختیارات خود را کم بدانیم اما اصل برای ما این است که از این اختیارات کم، صیانت کنیم و از دیگران هم بخواهیم از این اختیار کم توقعی بیش از آنچه باید نداشته باشند. نکته دیگر بحث معیار و محترم دانستن ساختارهای سازمانی و اجرایی ما مثلاً در بحث مجوزهاست (حال اینکه این مجوزها مثلاً برای کتاب و... وجود داشته باشد یا نه بحث تفاوت دیدگاه است) ما در حوزه‌هایی شوراها داریم که به عنوان ساختارهای قانونی و محترم می‌شناسیم که مورد تأیید ما هستند و نه وزیر و نه معاون وزیر که نمی‌تواند همه سناریوها و نمایشنامه‌ها و... را بخواند و شوراها پاسخگوی این مسئولیت هستند.

ممکن است افراد مختلف، در جایگاه‌های مختلف، نظرشان به عنوان مثال درباره یک فیلم یا یک موسیقی با هم متفاوت باشد و مسلماً ممکن نیست که ما به اندازه تمام جمعیت کشورمان ضابط قانون و ضابط اجرایی در نظر بگیریم. پس ساختارهای اجرایی از جمله شوراها و ارزیابی در بخش‌های مختلف برای همین تشکیل شده‌اند که عهده‌دار این مسئولیت باشند. بحث دیگری که ما آن را

شروع کردیم و تا حدود زیادی پیش رفتیم و البته هنوز جای کار بسیار دارد، همگرا کردن برداشت از مقررات قانونی است که از این طریق می‌توانیم از برداشت‌های سلیقه‌ای در تمامی حوزه‌های فرهنگ و هنر و رسانه اجتناب کنیم. معیارهایی که ما به عنوان اسناد بالادستی برای بررسی آثار و صدور یا عدم صدور مجوز در دست داریم شفاف و روشن است و همین معیارها ما را از سلیقه‌گرایی برحذر می‌کند و بستری فراهم می‌کند تا به تعداد افراد نظر و سلیقه شخصی در این امر دخیل نشود. در حوزه کتاب به عنوان مثال این نگرش را در بحث کتاب پیش بردیم و بابر داشت‌های روشن و به دور از سلیقه محوری مورد بررسی و تعامل قرار دادیم و قدم در مسیر بعدی را به گفت‌وگو منتج کردیم. ما مجموعه‌های رسمی و غیر رسمی گفت‌وگویی کنیم تا تضادها را به تنش‌هایی لینال تبدیل نکنیم. اگر می‌بینید این تنش‌ها کمتر شده به این دلیل است که طی سه سال گذشته سعی کردیم مباحث را در فضایی آرام پیش ببریم و با توجه به قانون و معیارهایی که برشمردیم از حرکت به سمت فضا‌های سنگینی که ادامه کار را غیر ممکن نشان می‌دهد دوری کنیم. پس در واقع هر جا اختلاف دیدگاه وجود داشته به قانون مراجعه کرده‌ایم، هر جا اختلاف در سلیقه وجود داشته حتی المقدور بر اساس اختیارات قانونی خود عمل کرده‌ایم و در نهایت ضمن تفسیرهایی روشن تر از موضوعات با طرف‌های مختلف پای گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ **این روزها یکی از سؤالات اصلی، سؤال درباره بازگشایی مراکز و رویدادهای فرهنگی هنری بسیاری اهالی فرهنگ و هنر است و به نظر می‌رسد یک نوع بلاتکلیفی در مورد حال و آینده این تصمیم‌ها وجود دارد. مثلاً درباره جشنواره تئاتر و فیلم فجر قدم‌هایی از جمله تعیین دبیر و... برداشته شده در حالی که به درستی نمی‌دانیم در بهمن ماه وضعیت و نظر ستاد ملی کرونا چه خواهد بود. یا درباره بازگشایی سالن‌های نمایش که در رخت بصر می‌برند و... وزارتخانه متبوع شما در حوزه‌های مختلف با چه ایده و سناریویی درباره آن چه در نیمه دوم پیش رو خواهیم داشت قرار است حرکت کند؟**

اسفندماه همه در هیأت دولت بایدهای ناشناخته روبه‌رو بودیم که تمامی صحبت‌های مطروحه در آن زمان بر اساس شناخت و بررسی وزارت بهداشت از آن مقطع و شکل پیشروی و ویروس کرونا بود و امیدوار بودیم که نهایتاً تا پایان فروردین این ویروس کاملاً مهار شود اما کم‌کم دامنه و شناخت از ادامه مسیر با ما و اگرهایی روبه‌رو شد و هنوز هم به وضوح و قطعی مشخص نیست که این رویه و شرایط تا چه زمانی طول خواهد کشید. پس با توجه به اینکه چشم‌انداز روشن و دقیقی وجود ندارد طبیعتاً امکان برنامه‌ریزی دقیقی نیز وجود ندارد و ما نتوانیم برای شرایط مختلف سناریوهای مختلف را پیش رو بگذاریم تا ببینیم در شکل‌ها و شرایط مختلف، چه اقداماتی را می‌شود متصور بود و بر اساس آنها پیش رفت. سناریوی اول این بود که اگر کم‌کم با اقول و وضعیت سفید کشور روبه‌رو شدیم، سعی کنیم جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی را که در شش ماه اول امکان برگزاری اش نبود در شش ماه دوم اجرا کنیم و تا حدودی هم پیش رفتیم و حتی همان طور که شما اشاره کردید دبیران جشنواره فیلم فجر را هم معرفی کردیم. امروز اما به نظر می‌رسد با روند فعلی، امکان تحقیق سناریو اول تقریباً غیر ممکن شده و مجبوریم در چنین شرایطی

روی سناریوهای دیگر متمرکز شویم. جمع‌بندی از شرایط پیش‌رو تا پایان مردادماه کامل خواهد شد و آن زمان می‌توانیم تصمیم بگیریم که جشنواره و رویدادهای نیمه دوم سال را برگزار کنیم یا نه. در واقع اگر به لطف خداوند شرایط به سمتی رفت که وضعیت سفید شد و ستاد ملی کرونا اجازه برگزاری‌های چنین برنامه‌ها و جشنواره‌هایی را داد، می‌توانیم جشنواره را در مدل‌هایی تازه که متناسب با وضعیت امروز کشور است برگزار کنیم و اگر هم چنین اتفاقی نیفتاد درباره جایگزین‌های دیگر و متناسب از قبل تصمیم‌گیری و در موعد مقرر آن را اجرا خواهیم کرد. طبق آن چه در جلسه با معاونین مطرح کردم قرار است همکاران من ایده‌ها و برنامه‌ها و سناریوهایشان را تا پایان مرداد آماده کنند که اگر قرار است برگزار کنیم در چه حالت و شرایطی این اتفاق بیفتد و اگر هم قرار بر برگزاری نشدن بود، چه کارهایی در مقابل می‌توان انجام داد. پس اگر قرار به برگزاری شد شیوه‌های مناسب شرایط را بررسی و در نهایت اجرایی می‌کنیم که ممکن است برگزاری به صورت آنلاین



یا... باشد و اگر تصمیم نهایی عدم برگزاری جشنواره‌ها بود، با همکاری سازمان برنامه و بودجه، تصمیمی بهتر برای هزینه‌کرد بودجه خواهیم داشت تا منابع را به شکل روشن مصرف کنیم و هنرمندان بتوانند از آن استفاده کنند.

■ **صندوق حمایت از نویسندگان و هنرمندان طی ماه‌های اخیر کارهای مثبتی انجام داد و البته درباره کمبود بودجه هم گلایه‌هایی دارند و معتقدند اگر بودجه بیشتری در اختیار داشته باشند می‌توانند با کمیت و کیفیت بهتر و بیشتری عمل کنند. شما عملکرد زیرمجموعه‌های خود در این حوزه‌ها را علی‌الخصوص در دورانی که به هنرمندان بسیار سخت می‌گذرد چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به طور کلی در دولت یازدهم و دوازدهم انصافاً مسیر روبه‌رشدی را طی کردیم که نمی‌شود آن را نادیده گرفت و به عنوان نمونه همان طور که گفتید صندوق حمایت از نویسندگان و هنرمندان هم در این مجموعه رشد چشمگیری در بحث حمایت از هنرمندان و نویسندگان داشته به نحوی که سال ۱۷۰۹۲ هزار و ۸۸۸ نفر عضو صندوق